

بهینه‌یابی سهم انواع انرژی‌های فسیلی در صنایع انرژی بر ایران

پیام رشیدی

دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد

payam.rashidi@mail.um.ac.ir

تقی ابراهیمی سالاری

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسؤل)

ebrahimi@um.ac.ir

مسعود همایونی‌فر

دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد

homayounifar@um.ac.ir

سید مجتبی روحانی

دانشیار گروه کامپیوتر، دانشگاه فردوسی مشهد

rouhani@um.ac.ir

اهمیت مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی از دو منظر امنیت انرژی و ملاحظات زیست محیطی بسیار مورد توجه سیاست‌گذاران حوزه انرژی و محیط زیست قرار دارد. در این مطالعه با استفاده از روش الگوریتم ژنتیک مرتب‌سازی نامغلوب، سهم بهینه انواع انرژی‌های فسیلی در صنایع انرژی‌بر ایران شامل صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی، تولید زغال‌کک، پالایشگاه نفت و سوخت هسته‌ای، تولید مواد و محصولات شیمیایی، تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی و تولید فلزات اساسی محاسبه شده است که بر اساس آن سهم نفت سفید به ترتیب ۰/۰۹۸، ۰/۱۷، ۰/۰۱۶، ۰/۰۰۵، ۰/۰۱۴، سهم گازوئیل، ۱۲/۸۸، ۰/۹۳، ۰/۶۲، ۱/۹۷، ۰/۹۶، سهم گاز طبیعی، ۶۸/۸۱، ۸۵/۲۵، ۹۸/۲۹، ۸۰/۳۲، ۹۸، سهم گاز مایع، ۰/۱۸، ۲/۱۷، ۰/۰۸، ۲/۶۶، ۰/۳۳، سهم بنزین، ۱/۳۲، ۰/۲۹، ۰/۳۷، ۰/۱۵، ۰/۰۵۲ و سهم نفت سیاه و کوره به ترتیب ۱۶/۷، ۱۱/۱۸، ۰/۶۲، ۱۴/۸۳ و ۰/۶۵ درصد بدست آمده است. سپس با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها (مدل مازاد مینا) کارایی اقتصادی و زیست محیطی زیربخش‌های منتخب صنعت با استفاده از مقادیر بهینه اندازه‌گیری و با کارایی در حالت مقادیر واقعی مصرف انرژی در سال‌های ۹۰، ۹۳، ۹۴ و ۹۵ مقایسه شده است که نشان‌دهنده بهبود کارایی اقتصادی و زیست محیطی در سال‌های مورد بررسی می‌باشد.

واژگان کلیدی: کارایی، بهینه‌سازی چندهدفه، الگوریتم ژنتیک، مدل مازاد مینا، انرژی

۱. مقدمه

مصرف بالای انرژی در جهان باعث دو نگرانی در مورد آینده شده است؛ نگرانی اول در مورد انرژی‌های پایان پذیر و نگرانی دوم در مورد انتشار گازهای آلاینده ناشی از مصرف انرژی. از طرف دیگر تفکر بکارگماری اقتصاد زیست محیطی و رشد اقتصادی به عنوان اصلی ترین هدف توسعه تلقی می‌شود. نکته اساسی در اقتصاد محیط زیست آن است که اقتصاد و محیط زیست جدا از یکدیگر نبوده و هیچ تصمیم اقتصادی یافت نمی‌شود که بر محیط طبیعی و مصنوعی تأثیر نگذارد. انرژی از جمله عواملی است که در اکثر فعالیت‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد و امنیت ملی اکثر کشورها تا حدود زیادی در گرو دسترسی مطمئن به انرژی است، از این رو آینده‌ی تولید و مصرف حامل‌های انرژی و کاربرد بهینه‌ی آن‌ها از اهمیتی خاص برخوردار است. با توجه به گزارش‌های منتشر شده توسط آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)^۱ در سال ۲۰۱۷، شدت مصرف انرژی^۲ در ایران چندین برابر کشورهای صنعتی است. به عنوان نمونه شدت انرژی در ایران پنج برابر ژاپن، ۱/۷ برابر چین، پنج برابر آمریکا و کشورهای پیشرفته (OECD)^۳ و ۲/۵ برابر میانگین جهانی می‌باشد، که این امر موجب نگرانی‌های فراوانی طی دهه‌ی اخیر شده است به گونه‌ای که با ادامه‌ی این روند در چند سال آینده مقدار تولید فعلی جواب‌گوی مصرف داخلی نخواهد بود و در نتیجه یا باید بر میزان تولید داخلی اضافه گردد و یا باید با وارد کردن انرژی از کشورهای دیگر نیاز داخلی تأمین گردد.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴)، بخش صنعت کشور با وجود فراز و نشیب‌های زیاد در دهه‌های اخیر، به طور میانگین حدود ۱۸٪ از تولید ناخالص ملی را

1. International Energy Agency (IEA)

2. TPES/GDP

3. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

به خود اختصاص داده است که بر اساس کدهای دو رقمی ISIC، زیربخش‌های صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت‌های هسته‌ای، تولید فلزات اساسی، تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی و تولید مواد غذایی و آشامیدنی سهم عمده‌ی ارزش تولید بخش صنعت و مصرف انرژی را به خود اختصاص داده‌اند.

صنعت در زمینه‌ی نوآوری‌های فنی و تحقیق و توسعه برای نیل به توسعه‌ی اقتصادی هر کشوری از جمله ایران نقش و جایگاهی ویژه دارد و آمارهای رسمی نشان می‌دهد که یکی از بخشهای عمده‌ی مصرف‌کننده‌ی انرژی در ایران است. بخش صنعت سهم ۲۴ درصدی از مصرف انرژی کل کشور دارد که از نظر سهم مصرف انرژی، نسبت به میانگین جهانی و کشورهای نظیر چین، هند، کره جنوبی، ژاپن و آلمان کمتر و نسبت به میانگین اتحادیه اروپا و کشورهای ایتالیا، انگلیس، آمریکا و کانادا بیشتر است (آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۱۷).

همچنین شدت مصرف انرژی در بخش صنعت ایران از میانگین جهانی و کشورهای صنعتی مانند آمریکا، ژاپن، هند و کره جنوبی بیشتر می‌باشد. این درحالی است که در دهه‌های گذشته شدت مصرف انرژی در بخش صنعت در کشورهای یادشده بسیار بیشتر از ایران بوده است و این کشورها توانسته‌اند با تخصیص بهینه‌ی منابع انرژی و افزایش کارایی، شدت مصرف انرژی را کاهش دهند. شایان توجه است که در اغلب کشورهای صنعتی بیشترین کاهش شدت مصرف انرژی و انتشار گاز دی‌اکسید کربن بر پایه‌ی بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش صنعت این کشورها مشاهده می‌شود (شورای جهانی انرژی، ۲۰۱۵).^۱

از این رو در این مطالعه ابتدا با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها (مدل مازاد مینا) ناکارایی صنایع منتخب بررسی شده سپس سهم بهینه‌ی انواع انرژی شامل گازوئیل، گاز طبیعی، گاز مایع، بنزین، نفت سفید، نفت سیاه و کوره در زیربخش‌های صنعت ایران با روش بهینه‌سازی چند هدفه الگوریتم

1. World Energy Council, 2015

ژنتیک مرتب سازی نامغلوب^{۱۲}، با توجه به اهداف اقتصادی و زیست محیطی، تعیین می‌شود. قلمرو این مطالعه بخش صنعت ایران می‌باشد که بر اساس تفکیک گروه‌های دو رقمی ISIC، زیربخش های تولید مواد غذایی و آشامیدنی، صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه های نفت و سوخت‌های هسته‌ای، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی و تولید فلزات اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

تفکر بهینه‌سازی مصرف انرژی در جهان از سال ۱۹۷۰ آغاز شده است، به طوری که هم اکنون مقوله‌ی مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی خود به عنوان یکی از منابع جدید انرژی، در کنار منابع فیزیکی موجود، محسوب می‌شود. منظور از بهینه‌سازی مصرف انرژی، انتخاب الگوها و اتخاذ به‌کارگیری روش‌ها و سیاست‌هایی در مصرف درست انرژی است که از نقطه نظر اقتصاد ملی مطلوب باشد و استمرار وجود و دوام انرژی و ادامه‌ی حیات و حرکت را تضمین کند.

در این چارچوب تعیین سهم صورت‌های مختلف انرژی در سبد انرژی هر جامعه با توجه به امکانات دراز مدت آن جامعه، همچنین بکارگیری پربازده‌ترین شیوه‌ی استفاده از آن‌ها که متضمن کاهش تخریب منابع انرژی و نیز کاهش تأثیرات سوء ناشی از استفاده‌ی ناصحیح از انرژی بر عوامل دیگر حیات و محیط زیست باشد مدنظر است. این استفاده‌ی درست و به‌جا از انرژی نه تنها متضمن استمرار حیات و توسعه‌ی پایدار جامعه است بلکه منجر به بقاء انرژی برای همگان و نسلهای آتی و مانعی برای تولید و گسترش آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از مصرف نادرست انرژی خواهد بود.

ژانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای تأثیر سیستم تجارت انتشار بر کاهش انتشار دی‌اکسید کربن را در زیربخش‌های صنعت کشور چین بررسی نمودند. این تحقیق در راستای تحقق توسعه اقتصاد کم کربن در کشور چین با استفاده از داده‌های پنل در سطح استانی انجام شده است و پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند که اجرای سیاست‌های محدودکننده انتشار CO₂ همزمان با توسعه فن‌آوری می‌تواند ۱۴/۵ درصد انتشار دی‌اکسید کربن را کاهش دهد درحالی‌که تأثیر آن بر تولید ناخالص داخلی ۴/۸- درصد خواهد بود. وانگ^۲ و همکاران (۲۰۱۹) با توجه به محدودیت‌های ظرفیت ذغال سنگ در تأمین انرژی کشور چین، طرح تخصیص سهمیه بهینه ذغال سنگ در استان‌های کشور چین را ارایه نموده‌اند. در این مطالعه از روش بهینه‌سازی چند هدفه ازدحام ذرات (PSO) در دو سطح ملی و استانی استفاده شده است. براساس مقادیر و سهمیه بهینه بدست آمده نرخ رشد بهره‌وری کل در سطح ملی و استانی به ترتیب ۲/۱۴ و ۰/۶ درصد افزایش می‌یابد و همچنین افزایش منافع زیست‌محیطی به میزان ۷۳ و ۷۱ میلیارد یوان به ترتیب در سطح ملی و سطح استانی را در پی خواهد داشت. سلامه^۳ و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی شدت انرژی در زیربخش صنعت نساجی در کشور اندونزی پرداختند. محققان برای تشخیص اثرات ساختاری و شدت انرژی از روش تجزیه دیوژنیا^۴ استفاده نمودند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شدت انرژی بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ در حال کاهش بوده است. لی^۵ و همکاران (۲۰۱۸) به منظور بهینه‌سازی مصرف انرژی، عوامل مؤثر بر بهره‌وری انرژی را در صنایع انرژی بر منطقه پکن با استفاده از شاخص مالم کوئیست بررسی نمودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد منطقه هبی^۶ دارای بالاترین شاخص بهره‌وری

1. Zhang
2. Wang
3. Salamah
4. Divisia
5. Li
6. Hebi

کل در تولید و تأمین انرژی الکتریکی و منطقه تیانجین^۱ دارای بالاترین شاخص میانگین بازده انرژی در تولید مواد خام و محصولات شیمیایی و ذوب و فرآوری فلزات می‌باشد. ژیانگ^۲ و همکاران (۲۰۱۷) برای تحقق اهداف توسعه پایدار در بخش انرژی، یک مدل ترکیبی از تحلیل پوششی داده‌ها و تئوری بازی‌ها را در بهینه‌سازی مصرف انرژی در استان‌های کشور چین ارائه نمودند. براساس این مدل وزنی پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۰ هرچند تسلط ذغال سنگ بر تأمین انرژی از بین نخواهد رفت ولی هدف تنوع بخشی به تأمین انرژی در ساختار انرژی مناطق مختلف تحقق خواهد یافت. کراتیپرانون و چوئیچام^۳ (۲۰۱۷) با استفاده از الگوریتم بهینه‌سازی چند هدفه ژنتیک، سهم و مقدار بهینه انواع انرژی را برای تولید انرژی برق در کشور تایلند تعیین کردند. اهداف این مدل شامل حداکثرسازی تولید انرژی الکتریکی و حداقل کردن هزینه تولید بوده است. ژو^۴ و همکاران (۲۰۱۷) به منظور کاهش انتشار کربن در استان‌های چین از یک مدل ترکیبی استفاده نمودند. این تحقیق با هدف پیشینه‌کردن کارایی تخصیصی انجام‌گردید و متدولوژی آن بکاگیری ترکیب تحلیل پوششی داده‌ها و تئوری بازی‌ها می‌باشد. محققان در قسمت تحلیل پوششی داده‌ها از روش مازاد مبنا (SBM) و در تئوری بازی‌ها از رویکرد مجموع صفر (Zero-Sum-Gain) استفاده کرده‌اند. لیو^۵ و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از روش الگوریتم ژنتیک و بهینه‌سازی چندهدفه، به بهینه‌سازی مصرف انرژی پرداخته‌اند. در این مطالعه تأکید بیشتری بر فرصت‌های ذخیره‌سازی انرژی در شرکت‌های تولیدی شده و مدل بهینه‌سازی چندهدفه بر مبنای روش الگوریتم ژنتیک مرتب‌سازی نامغلوب توسعه داده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که الگوریتم ژنتیک در

-
1. Tianjin
 2. Xiong
 3. Keeratipranon & Choeichum
 4. Guo
 5. Liu

حل مسائل بهینه‌سازی چند هدفه از اثربخشی و کارایی بالایی برخوردار است. فضل‌الهی^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای یک مدل چند هدفه-چند دوره‌ای برای بهینه‌سازی مصرف انرژی در ژنو در کشور سوئیس ارائه دادند. آنان در این مطالعه از یک الگوی بهینه‌سازی غیرخطی با در نظر گرفتن محدودیت‌های زیست‌محیطی استفاده کردند. اهداف این مدل شامل حداکثر کردن کارایی و حداقل کردن آلودگی ناشی از مصرف انرژی و هزینه‌های مصرف انرژی است. نتایج این مطالعه نشان داد که با انتخاب مناسب منابع انرژی، تکنولوژی‌های صرفه‌جویی در مصرف انرژی به صورت متمرکز و غیر متمرکز و همچنین شبکه‌های توزیع مناسب، آلودگی محیط زیست قابل کاهش بین ۵۰ تا ۶۵ درصد و هزینه‌های سالانه نیز قابل کاهش بین ۲۲ تا ۲۷ درصد هستند. گنزالس^۲ و همکاران (۲۰۱۵) با استفاده از الگوریتم ژنتیک کارایی فنی را در مدل تحلیل پوششی داده‌ها حداکثر نمودند. محققان در این پژوهش از مدل مازاد مینا برای محاسبه کارایی فنی استفاده نموده و برای حداقل کردن فاصله متغیرهای مدل از مرز کارای تولید، مدل بهینه‌یابی الگوریتم ژنتیک را به کار برده‌اند. براساس بکارگیری این مدل ترکیبی غیرپارامتری و فرا ابتکاری، زمان بهینه‌یابی به حداقل رسیده است.

همچنین هالکوس و تزریمیس^۳ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای ارتباط بین مصرف انرژی تجدیدپذیر و کارایی اقتصادی را با استفاده از برآوردگرهای شرطی تحلیل پوششی داده‌ها همراه با رگرسیون‌های ناپارامتریک برای یک نمونه ۲۵ عددی از کشورهای اروپایی در سال ۲۰۱۰ مورد مطالعه قرار دادند. شی^۴ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی یک مدل گسترش یافته‌ی DEA را با ستانده‌های نامطلوب به عنوان ورودی‌هایی برای ارزیابی کارایی انرژی در بخش صنعت در چین توسعه دادند.

1. Fazlollahi

2. Gonzalez

3. Halkos & Tzeremes

4. Shi

سیتونن^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر کارایی انرژی و انتشار CO₂ در صنعت فولاد پرداخته‌اند. اونوت^۲ و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بهینه‌سازی منابع انرژی در بخش صنعت کشور ترکیه با استفاده از روش برنامه‌ریزی خطی فیزیکی پرداختند. مژر^۳ و همکاران (۱۹۹۸) با استفاده از برنامه‌ریزی آرمانی چندهدفه، صادقی و حسینی (۲۰۰۶) با استفاده از برنامه‌ریزی خطی و محقر و همکاران (۱۳۸۹) با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندشاخصه و روش برنامه‌ریزی آرمانی به بهینه‌سازی مصرف انرژی پرداخته‌اند.

۳. مبانی نظری

انرژی به عنوان یکی از نهاده‌های مهم در تولید کالاها و خدمات محسوب شده و نقش مهمی را در طرف عرضه و تقاضای اقتصاد ایفا می‌کند. روند مصرف انرژی در طول دهه‌های مختلف تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده است که می‌توان آن‌ها را در دو گروه طبقه‌بندی نمود: اول افزایش مهار نشدنی مصرف انرژی تحت تأثیر تغییر سطح و استانداردهای زندگی می‌باشد که استفاده از وسایل انرژی‌بر را افزایش داده است. دوم تغییر ساختار مصرف انرژی است که توسط اقتصاددانان انرژی دوره گذار نامیده می‌شود و دربرگیرنده‌ی تغییرات در نوع مصرف و نوع انرژی می‌باشد (پیرسن^۴، ۱۹۸۸).

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ سیاست‌های بهینه‌سازی خاصی برای مصرف انرژی وجود نداشت و در بهترین حالت در برخی از زیربخش‌ها بدون توجه به هماهنگی بین بخشی، سیاست‌هایی اعمال می‌شد که دلیل آن هم به طور مشخص تصور فراوانی انرژی بود. پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی شگرف که با دسترسی به منابع عظیم انرژی به ویژه نفت میسر گشته از جنگ دوم جهانی تا کنون نقشی پویا و سازنده در اقتصاد داشته است. انرژی در کشورهای در حال توسعه به مانند کشورهای

1. Siitonen
2. Onut
3. Mezher
4. Pearson

در حال توسعه اهمیت ویژه‌ای یافته است هرچند که ماهیت مسایل و چالش‌های انرژی در میان این دو گروه از کشورها متفاوت است لیکن بنیادی‌ترین مشکل اقتصادی در کشورهای در حال توسعه انتخاب سیاست‌های انرژی می‌باشد به ویژه در کشورهایی که با کمبود منابع مواجه می‌باشند تأثیر انتخاب سیاست‌های انرژی بر اقتصاد شدیدتر می‌باشد (استیونس^۱، ۲۰۰۰).

در تئوری‌های نوین اقتصادی علاوه بر سرمایه و نیروی کار اعم از متخصص و غیر متخصص که از مهمترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی هستند، عامل انرژی نیز وارد مدل شده است که در توابع رشد در نظر گرفته می‌شود ولی اهمیت آن در مدل‌های مختلف یکسان نیست. استرن^۲ (۱۹۹۳) به نقل از آیرس و نایر^۳ (۱۹۸۴) بیان می‌کند که در مدل‌های بیوفیزیکی رشد، انرژی مهمترین عامل رشد است، زیرا نیروی کار و سرمایه عوامل واسطه‌ای هستند که برای به کارگیری به انرژی وابسته‌اند. همچنین استرن (۱۹۹۳) به نقل از اقتصاددانان نئوکلاسیک مانند برنت^۴ (۱۹۷۳) و دنیسون^۵ (۱۹۷۹)، (۱۹۸۵) بیان می‌کند که انرژی از طریق تأثیری که بر روی نیروی کار و سرمایه دارد به صورت غیرمستقیم بر رشد اقتصادی نیز مؤثر است، ولی اثر مستقیمی بر رشد اقتصادی ندارد.

اقتصاددانان نئوکلاسیک مانند برندت و وود^۶ (۱۹۷۵) انرژی را عامل تولیدی در تابع تولید کل می‌دانند. آنان تابع تولیدی به صورت زیر پیشنهاد کردند:

$$Q = f(G(K, E), L) \quad (1)$$

به این مفهوم که انرژی و سرمایه با هم ترکیب شده و عامل تولید G را ایجاد می‌کنند، که پس از ترکیب با نیروی کار محصول به دست می‌آید. بنابراین انرژی ارتباط تفکیک‌پذیر ضعیفی با نیروی کار دارد (فطرس و دیگران، ۱۳۹۱).

-
5. Stevens
 2. Stern
 3. Ayres & Nair
 4. Bernet
 5. Denison
 6. Berndt & Wood

۴- روش پژوهش

واژه‌ی بهینه‌سازی^۱ در ریاضیات مفهوم خاص خود را دارد و در کشور ما نیز در زمینه‌های مختلف از جمله انرژی مورد استفاده قرار گرفته است. بهینه‌سازی مصرف انرژی برای یک فرایند می‌تواند به صورت موضعی و یا به صورت جامع برای یک سیستم که متشکل از چندین فرایند است، انجام شود. بر اساس تئوری بهینه‌سازی، نتیجه‌ی بهینه‌سازی برای چندین فرایند به صورت جداگانه الزاماً برابر با نتیجه‌ی بهینه‌سازی به صورت جامع نیست و بنا بر تعریف، بهینه‌سازی به صورت جامع می‌تواند در برگرفته‌ی ترکیبی از دو فرآیند و یا چندین فرآیند باشد. تا کنون مدل‌های زیادی برای تخصیص بهینه‌ی منابع انرژی ارائه شده است. برخی مدل‌های موجود انرژی مانند مسیج^۲ (مدل آلترناتیوهای سیستم‌های عرضه انرژی و اثرات کلی زیست محیطی آن‌ها) و تایمز^۳، به بهینه‌سازی سیستم انرژی می‌پردازند (جبراج و اینیان، ۲۰۰۶)^۴. اکثر این مدل‌ها دارای فرضیاتی هستند که استفاده از آن‌ها را برای ایران با مشکل مواجه می‌کند. از جمله موارد دیگری که استفاده از این مدل‌ها را در ایران با مشکل مواجه خواهد ساخت، نیاز به ورودی‌های متنوع و فراوان است، که متأسفانه داده‌هایی با این جزئیات در ایران وجود ندارد. از این رو در اغلب موارد به ناچار باید از داده‌های تخمینی استفاده کرد.

به دلایل فوق، اخیراً تمرکز بیشتری بر روش‌های ابتکاری یا فرا ابتکاری با جستجوی تصادفی صورت گرفته است. روش‌های جستجوی ابتکاری، روش‌هایی هستند که می‌توانند جوابی خوب

1. Optimization

2. MESSAGE (Model for Energy Supply Strategy Alternatives and their General Environmental Impact)

3. TIMES (The Integrated MARKAL-EFOM System)

۴- در رابطه با بهینه‌سازی، مدل‌های زیادی توسط اقتصاد دانان انرژی ارایه و بکار گرفته شده است که از جمله می‌توان به مدل‌های (BESOM)، (TESOM)، (MPEEE)، (AEPSOM) و (OREM) اشاره نمود که برای مطالعه بیشتر می‌توان به مقاله‌ی "مروری بر مدل‌های انرژی" نوشته جبراج و اینیان (S. Jebraj & S. Inyan) مراجعه نمود.

(نزدیک به بهینه) در زمانی محدود برای یک مسأله ارائه کنند. روش‌های جستجوی ابتکاری عمدتاً بر مبنای روش‌های شمارشی می‌باشند، با این تفاوت که از اطلاعات اضافی برای هدایت جستجو استفاده می‌کنند. این روش‌ها از نظر حوزه کاربرد، کاملاً عمومی هستند و می‌توانند مسائل خیلی پیچیده را حل کنند. عمده این روش‌ها، تصادفی بوده و از طبیعت الهام گرفته شده‌اند (فروزان و نیرومند، ۱۳۹۰).

در این مطالعه برای تعیین سهم بهینه حامل‌های انرژی فسیلی در زیربخش‌های انرژی بر صنعت ایران از الگوریتم ژنتیک مرتب سازی نامغلوب ۲ (NSGAI) استفاده شده است لیکن ابتدا این پرسش مطرح می‌شود که آیا مصرف انرژی در زیربخش‌های صنعت ایران بهینه است؟ برای پاسخ به این پرسش کارایی اقتصادی و زیست محیطی کدهای اصلی صنعت ایران شامل صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی، صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت‌های هسته‌ای، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، صنایع تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی و صنایع تولید فلزات اساسی محاسبه می‌شود.

برای این منظور ارزش تولید به عنوان ستانده مطلوب، انتشار گاز دی اکسید کربن به عنوان ستانده نامطلوب و نهاده‌های غیر انرژی شامل نیروی کار و سرمایه و منابع انرژی فسیلی شامل نفت سفید، نفت گاز (گازوئیل)، گاز طبیعی، گاز مایع، بنزین و نفت خام در نظر گرفته می‌شوند. محاسبه کارایی به روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)^۱ و مدل مازاد مینا^۲ (SBM) انجام می‌شود و عدم کارایی نشانه‌ی عدم تخصیص بهینه‌ی منابع انرژی در زیربخش‌های صنعت ایران می‌باشد.

1. Data Envelopment Analysis
2. Slack Based Measure

الگوریتم ژنتیک^۱

الگوریتم ژنتیک روش بهینه‌سازی الهام گرفته از طبیعت جاندار است که می‌توان در طبقه بندی‌ها از آن به عنوان یک روش عددی، جستجوی مستقیم و تصادفی یاد کرد. این الگوریتم، الگوریتمی مبتنی بر تکرار است و اصول اولیه آن از علم ژنتیک اقتباس گردیده و با تقلید از تعدادی از فرایندهای مشاهده شده در یک جمعیت از تکامل طبیعی استفاده می‌کند تا راه حل های جدید و بهبود یافته را ایجاد کند. این الگوریتم در مسایل متنوعی نظیر بهینه‌سازی، شناسایی و کنترل سیستم، پردازش تصویر و مسائل ترکیبی، تعیین توپولوژی و آموزش شبکه‌های عصبی مصنوعی و سیستم‌های مبتنی بر تصمیم و قاعده به کار می‌رود. همچنین الگوریتم ژنتیک یکی از انواع الگوریتم‌های فراابتکاری (فرامکاشفه‌ای) به شمار می‌رود که در دهه هفتاد میلادی توسط جان هلند^۲ ابداع شد (بهشتی نیا، ۱۳۹۵). این الگوریتم براساس نظریه تکامل داروین بنا نهاده شده است و مفاهیم اساسی آن وراثت و جهش می‌باشد.

الگوریتم ژنتیک یک رویه‌ی تکراری بوده که شامل یک جمعیت با اندازه‌ی ثابت است. هر یک از افراد این جمعیت با توجه به یک رشته‌ی محدود از سمل‌ها ارائه می‌شوند که از آن‌ها تحت عنوان ژنوم یاد می‌شود. هر یک از این ژنوم‌ها یک راه حل ممکن در فضای مسأله را پر می‌کنند. از فضای مسأله به فضای جستجو تعبیر می‌شود که این فضا تمام راه‌حل‌های ممکن مسأله را در بر می‌گیرد. منصرف از تفاوت روش‌های مختلف، یک الگوریتم ژنتیک استاندارد به صورت زیر عمل می‌کند:

ابتدا یک جمعیت اولیه به صورت تصادفی و یا اکتشافی فراهم آورده می‌شود و هر مرحله تکاملی یک نسل نامیده می‌شود. هر یک از افراد جمعیت بر مبنای یک سری ملاک‌های کیفی از

1. Genetic Algorithm
2. John Holland

پیش تعریف شده ارزیابی می‌شوند. این کار توسط تابع شایستگی انجام شده و نتیجه‌ی کار تحت عنوان میزان شایستگی فرد شناخته می‌شود. برای شکل‌گیری یک جمعیت جدید (نسل بعدی) افراد بر مبنای میزان شایستگی‌شان انتخاب می‌شوند. روش‌های مختلفی برای انجام این انتخاب وجود دارند که ساده‌ترین آن‌ها توسط هالند مطرح شده است. در این روش افراد با احتمالی متناسب با میزان شایستگی‌شان انتخاب می‌شوند. به این ترتیب افراد شایسته‌تر چندین بار برای حضور در جمعیت جدید انتخاب شده و به این ترتیب شانس بیشتری برای تولید مثل خواهند داشت. این در حالی است که افراد با شایستگی کمتر محو شده و شانس برای انتخاب و تولید مثل پیدا نمی‌کنند (نجار پور و صادق زاده، ۱۳۸۹).

الگوریتم ژنتیک از مزایای متعددی برخوردار است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. الگوریتم ژنتیک به سرعت می‌تواند مجموعه‌ای بزرگ از راه‌حل‌ها را پویش نماید. طبیعت الگوریتم ژنتیک به گونه‌ای است که نیازی به دانستن هیچ قاعده‌ای در ارتباط با مسأله مورد حل ندارد و تنها با قواعد داخلی خودش عمل می‌کند. الگوریتم ژنتیک به صورت کارا و مؤثری فضای مدل را جستجو می‌کند، بنابراین شانس بیشتری نسبت به روش‌های بهینه‌سازی محلی برای یافتن نقطه‌ی بهینه‌ی سراسری خواهد داشت. سرانجام این که این روش نیازی به محاسبه مشتقات جزئی ندارد. در روش الگوریتم ژنتیک از عملگرهای مختلفی وجود دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

- تلفیق: عملگر تلفیق وظیفه آمیزش و ترکیب نقاط انتخاب شده برای ایجاد نسل آینده الگوریتم را برعهده دارد. نقاط یا رشته‌هایی که در قسمت انتخاب به عنوان والد در نظر گرفته شدند ژنهایشان را با هم مبادله می‌کنند و اعضای جدید بوجود می‌آورند.

- جهش: همانطور که در طبیعت پدیده جهش ژنتیکی وجود دارد در الگوریتم ژنتیک نیز این پدیده با عملگر جهش ایجاد می‌شود به گونه‌ای که یک ژن از رشته‌ها به صورت تصادفی تغییر می‌کند. این عمل باعث افزایش تنوع در خصوصیات جمعیت تولید شده می‌شود.

- انتخاب: همانطور که عنوان شد برای ایجاد نسل جدید باید از میان جمعیت اولیه والدین مناسب برای تلفیق انتخاب شود که به نوعی می‌توان گفت عملگر انتخاب به عنوان رابط دو نسل عمل می‌نماید. هرچند تصور اولیه این است که بهترین اعضا از نظر تطابق باید برای ایجاد نسل جدید انتخاب شوند ولی باید توجه داشت که در الگوریتم ژنتیک تمرکز روی بهترین ژن‌ها می‌باشد.

- اختتام الگوریتم: روش‌ها و معیارهای گوناگونی برای تشخیص زمان پایان دادن به ایجاد جواب‌های جدید و توقف الگوریتم وجود دارد که می‌توان به همگرایی کل جمعیت یا فاصله ارزیابی (برازندگی) بهترین فرد جمعیت از متوسط ارزیابی‌ها (برازندگی‌ها) اشاره نمود.

تحلیل پوششی داده‌ها: مدل مازاد مبنا

روش تحلیل پوششی داده‌ها واحدهای ناکارار را روی مرز تولید مشخص می‌نماید. مدل‌های CCR و BCC که بر مبنای مدل فارل^۱ (۱۹۵۷) به عنوان مدل‌های اولیه توسط چارنز^۲ و همکاران (۱۹۷۸) ارائه گردید، از دو جهت ورودی محور و خروجی محور کارایی واحدهای تصمیم‌گیرنده را اندازه‌گیری می‌کنند. در حالت ورودی محور کاهش هرچه بیشتر ورودی‌ها با ثابت در نظر گرفتن خروجی‌ها و در حالت خروجی محور افزایش هرچه بیشتر خروجی‌ها با ثابت در نظر گرفتن ورودی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد (میرحسینی، ۱۳۹۴).

بر اساس محاسبه ناکارایی در مدل‌های CCR و BCC، میزان کاهش در ورودی یا افزایش در خروجی بدون تغییر در ترکیب ورودی‌ها یا خروجی‌ها مشخص می‌گردد. به عبارت دیگر مدل‌های مذکور تنها ناکارایی تکنیکی^۳ را مشخص می‌کنند و نمی‌توان بر اساس آن ناکارایی

1. Farrell

2. Charez, et al

5. Technical Inefficiency

ترکیبی^۱ واحدهای تصمیم‌گیری را از بین برد. اما حالت سومی هم وجود دارد که کمبود خروجی و مازاد ورودی همزمان مورد توجه می‌باشد. مدل‌های مازاد مینا و مدل‌های جمعی^۲ از جمله مدل‌های غیرشعاعی می‌باشند که در محاسبه کارایی، کمبود ستانده و مازاد نهاده را به طور همزمان مورد محاسبه و ارزیابی قرار می‌دهند که در مدل‌های نهاده گرا و ستاده گرا امکان پذیر نمی‌باشد (کوپر و همکاران، ۲۰۰۷). در مدل مازاد مینا که توسط تن^۳ در سال ۲۰۰۱ ارائه گردید، مشکل تغییر کارایی بر اثر تغییر واحد اندازه‌گیری که در مدل‌های شعاعی دیده می‌شود وجود ندارد (شهیک‌تاش و همکاران، ۱۳۹۴) و سه اصل شاخص کارایی، تغییر ناپذیری واحدها و یکنواختی حفظ شده است (ممی پور و نجف زاده، ۱۳۹۵).

برای اندازه‌گیری کارایی اقتصادی در صنایع مورد بررسی از مدل مازاد مینا استفاده می‌شود که به صورت ذیل تعریف می‌گردد:

$$\rho = \min \frac{1 - \frac{1}{m} \sum_{i=1}^m \frac{s_i^-}{x_{i0}}}{1 + \frac{1}{n} \sum_{r=1}^n \frac{s_j^+}{y_{r0}}} \quad (2)$$

s.t:

$$x_0 = \sum \lambda_j x_{ij} + s_0^-$$

$$y_0^g = \sum \lambda_j y_j^g - s_0^{g+}$$

$$\sum \lambda_j = 1$$

$$\lambda, s^+, s^- \geq 0$$

$$i=1, \dots, m$$

1. Mix Inefficiency

2. Additive model

3. Tone

بطوریکه ρ بیانگر کارایی اقتصادی، γ بیانگر هر یک از صنایع یا کدهای ISIC مورد بررسی، i بیانگر نهاده‌ها (نیروی کار، سرمایه و انرژی)، γ^g بیانگر ستانده مطلوب، s^- متغیر مازاد، s^+ متغیر کمبود و λ بیانگر وزن ستاده‌ها و نهاده‌ها می‌باشد (تن، ۲۰۰۱).

رابطه (۲) را می‌توان به صورت ذیل بازنویسی نمود:

$$\left(\frac{1}{m} \sum_{i=1}^m \frac{x_{j0} - s_i^-}{x_{i0}} \right) \left(\frac{1}{n} \sum_{j=1}^n \frac{y_{j0} + s_j^+}{y_{j0}} \right)^{-1} \quad (3)$$

که عبارت اول بیان‌کننده متوسط نرخ کاهش نسبی ورودی‌ها یا ناکارایی نهاده‌ها و عبارت دوم بیان‌کننده نرخ متوسط افزایش در خروجی‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر مدل SBM کارایی واحد تصمیم‌گیری را براساس نسبت ناکارایی ورودی به خروجی اندازه‌گیری می‌کند (تن، ۲۰۰۱).

در این مدل فرض می‌شود که مقادیر نهاده‌ها و ستانده‌ها نسبت به تغییر واحدها ثابت و یا به عبارت دیگر اندازه کارایی نسبت به واحد اندازه‌گیری عوامل ورودی و خروجی پایا^۱ (مستقل از واحد) است. همچنین این اندازه برحسب هر یک از متغیرهای کمکی ورودی و خروجی به طور یکنوا^۲ کاهشی است. براساس مدل ارایه شده، یک واحد تصمیم‌گیری زمانی کارا می‌باشد که مقدار تابع هدف برابر یک باشد و این زمانی محقق می‌گردد که جواب بهینه فاقد مازاد ورودی و کمبود خروجی باشد. به عبارت دیگر مقدار نهاده‌ها و ستانده‌های واحد مورد بررسی معادل واحد مرجع باشد (تن، ۲۰۰۱):

$$\rho^* = 1 \quad (4)$$

$$s^{*-} = 0, s^{*+} = 0$$

1 - Unit Invariant

2- Monotone

همچنین برای ارزیابی کارایی زیست محیطی صنایع مورد بررسی از مدل مازاد مبنای جهت دار- نهاده استفاده می‌گردد که بر مبنای مدل تن، توسط ژو^۱ و همکاران در سال ۲۰۱۷ به صورت روابط ذیل ارایه گردید:

$$\beta = \min 1 - \frac{1}{m} \sum_{r=1}^k \frac{s_0^{b-}}{y_{rb}^b} \quad (5)$$

s.t:

$$x_o = \sum \lambda_j x_{oj} + s_o^-$$

$$y_o^s = \sum \lambda_j y_j^s - s_o^{s+}$$

$$y_o^b = \sum \lambda_j y_j^b - s_o^{b+}$$

$$\sum \lambda_j = 1$$

$$\lambda, s_o^-, s_o^{b-}, s_o^{g+} \geq 0$$

$$i = 1, \dots, m$$

$$j = 1, \dots, n$$

$$r = 1, \dots, k$$

در این رابطه β بیانگر کارایی زیست محیطی، i بیانگر هر یک از صنایع یا کدهای ISIC مورد بررسی، j بیانگر نهاده‌ها (نیروی کار، سرمایه و انرژی)، y_j^b بیانگر ستاده نامطلوب، s متغیر کمبود و λ بیانگر وزن ستاده‌ها و نهاده‌ها می‌باشد. و یک واحد تصمیم‌گیری زمانی کارا خواهد بود که مازاد ستانده نامطلوب آن مانند مازاد نهاده و کمبود ستانده مطلوب صفر و در نتیجه مقدار کارایی برابر یک باشد.

الگوریتم ژنتیک مرتب‌سازی نامغلوب

یکی از کارآمدترین و مشهورترین الگوریتم‌های بهینه‌یابی چند هدفه، الگوریتم ژنتیک مرتب‌سازی نامغلوب (NSGA-II) است که توسط دب^۱ و همکاران (۲۰۰۲) ارائه شد. این الگوریتم یکی از سریع‌ترین و توانمندترین الگوریتم‌های بهینه‌سازی است که نسبت به سایر روش‌ها از پیچیدگی عملیاتی کمتری برخوردار بوده و با استفاده از اصل عدم تسلط و یا عدم غلبه کردن و محاسبه فاصله ازدحام^۲، نقاط بهینه پارتو را به دست می‌آورد که از گستردگی مطلوبی در حوزه تغییرات توابع اهداف برخوردارند و به طراح آزادی انتخاب طراحی مورد نظر خود را از میان طراحی‌های بهینه شده می‌دهد به طوری که همزمان حفظ نخه‌گرایی و پراکندگی مد نظر قرار گرفته است. در این روش ابتدا دو گروه از فرزندان با جمعیت N عضو در نظر گرفته می‌شود. این دو جمعیت با هم ادغام می‌شوند و یک جمعیت با $2N$ عضو را به وجود می‌آورند. این جمعیت با استفاده از مرتب‌سازی نامغلوب دسته‌بندی شده و در نهایت جمعیت جدید شامل بهترین اعضا با N عضو به دست می‌آید. زمانی که برای حل مسأله‌ای از یک الگوریتم چند هدفه استفاده می‌شود به این معناست که حداقل دو تابع هدف مد نظر هستند، و دیگر به آسانی نمی‌توان در مورد بعضی از جواب‌ها نظر قطعی داد. در شرایطی که دستیابی به بهترین جواب امکانپذیر نباشد، جداسازی جوابهایی که بهتر از سایرین هستند، موجب کاهش گزینه‌های تصمیم‌گیری برای تصمیم‌گیرنده می‌شوند.

در مسائل چند هدفه یک جواب موجه وقتی به وسیله‌ی جواب موجه دیگر مغلوب می‌شود که حداکثر بر مبنای تمامی اهداف به خوبی جواب موجه اول باشد و دست کم بر اساس یک تابع هدف بدتر از جواب موجه اول باشد. در اکثر موارد نقاطی یافت می‌شوند که هیچکدام بر دیگری برتری کامل ندارد و نمی‌توان با مفهوم غلبه‌ی دو به دو بین آن‌ها مقایسه‌ای انجام داد، لذا برای به دست آوردن بهترین جواب‌ها باید آن‌ها را بر اساس یک معیار مرتب‌کرد (دب و همکاران، ۲۰۰۲).

1. Deb
- 2-Crowding Distance

در این الگوریتم به هر جواب یک رتبه اختصاص داده می‌شود که بر اساس تعداد مغلوب شدن آن‌ها نسبت به سایر نقاط انجام می‌شود. برای هر جوابی مانند P با توجه به تعریف جواب‌های نامغلوب یک شمارنده (Np) که نشان‌دهنده تعداد دفعات مغلوب شدن (p) به وسیله سایر اعضای جمعیت و یک مجموعه (Sp) که شامل اعضای از جمعیت که توسط P مغلوب می‌شوند، ایجاد می‌شود. تمامی اعضای جمعیت دو به دو با یکدیگر مقایسه می‌شوند و مقادیر Np و Sp برای آنها محاسبه می‌گردد. با توجه به این مقادیر، رتبه‌ی مجموعه‌ی اعضای جمعیت تعیین خواهد شد. در پایان الگوریتم، نقاطی که بهترین رتبه، یعنی رتبه یک را دارا باشند، به عنوان مجموعه جواب یا نقاط پارتو فرانت انتخاب می‌شوند (میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۱).

برای مقایسه‌ی اعضای جمعیت در الگوریتم NSGAI، اگر بارتبه بندی اعضا نسبت به هم نتوان آنها را با یکدیگر مقایسه کرد، برای تعیین برتری اعضا نسبت به یکدیگر به یک معیار ثانویه نیازمندیم که این معیار ثانویه فاصله‌ی ازدحامی نامیده می‌شود (دب و همکاران، ۲۰۰۲). فاصله ازدحام در تعیین جمعیت و همچنین در زمان استفاده از عملگر انتخاب کاربرد دارد. الگوریتم NSGAI براساس ارزیابی نقاط و تشکیل جبهه‌های پارتو رتبه بندی شده و شروع به ساخت نسل بعدی جمعیت می‌کند تا جاییکه به حد N عضو جدید برسد لیکن برای انتخاب از آخرین جبهه پارتو برای اینکه از جمعیت N نفر تجاوز ننماید، اعضای اضافی سطح آخر را با استفاده از معیار فاصله ازدحام حذف می‌کند به این صورت که هر چه فاصله ازدحام یک عضو بیشتر باشد اولویت بالاتری برای رفتن به نسل بعد را خواهد داشت. همچنین زمانی که دو عضو از هر نظر شبیه یکدیگر باشند، عملگر انتخاب عضوی را که دارای فاصله ازدحام بالاتری می‌باشد به عنوان والد انتخاب خواهد کرد (دب و همکاران، ۲۰۰۲).

فاصله ازدحام براساس رابطه‌ی ذیل محاسبه می‌گردد:

$$T[i]_{\text{distance}} = T[i]_{\text{distance}} + (T[i+1].m - T[i-1].m) / (\max f_m - \min f_m) \quad (6)$$

بر اساس رابطه‌ی فوق برای محاسبه فاصله ازدحام ابتدا نقاط جمعیت بر اساس هر یک از توابع هدف به صورت جداگانه رتبه بندی شده و فاصله ازدحام نقاط ابتدا و انتهای جبهه پارتو بینهایت فرض می‌شود. فاصله ازدحام برای سایر نقاط به ازای هر یک از توابع هدف عبارت است از نسبت تفاضل مقدار نقاط همسایه عضو مورد بررسی به تفاضل مقادیر بیشینه و کمینه‌ی تابع. در نهایت فاصله ازدحام برای هر عضو جمعیت از مجموع فاصله ازدحام محاسبه شده در هر یک توابع بدست می‌آید. هر چه فاصله ازدحام برای یک نقطه بیشتر باشد نشان می‌دهد که آن عضو جمعیت در ناحیه خلوت تری قرار گرفته است و بیانگر این است که نسبت به سایر جواب‌ها تنوع بیشتری در جمعیت ایجاد خواهد کرد (دب و همکاران، ۲۰۰۲).

۵. ساختار الگوی پیشنهادی

با توجه به اینکه در مدل بهینه‌یابی اهداف اقتصادی و زیست محیطی در نظر گرفته شده است برای الگوریتم ژنتیک (NSGAI) نیز متناسب با اهداف مذکور، توابع تولید، هزینه و انتشار گاز CO₂ به عنوان توابع هدف تعیین گردید.

تابع تولید

به منظور تخمین تابع تولید، فرم تابعی کاب-داگلاس برآورد شد. در این مطالعه اثر نهاده‌ی انرژی در کنار دو نهاده‌ی سرمایه و نیروی کار بر تولید زیر بخش‌های منتخب صنعت ایران شامل تولید مواد غذایی و آشامیدنی، صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت‌های هسته‌ای، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی و تولید فلزات اساسی با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۷۴ بررسی گردید. شایان ذکر است تولید همان ستانده مطلوب در مدل مازاد مبنا می‌باشد.

$$\log(Y_j) = -\nu / \lambda_1 + 1 / \lambda_2 \log(Lab_j) + \lambda_3 \log(Cap_j) + \lambda_4 \log(Ene_j) \quad (7)$$

که در رابطه فوق Lab، تعداد نیروی کار، Cap، میزان سرمایه، Ene، مقدار انرژی و α ، β و γ ضرایب مدل می‌باشند. برای برازش تابع فوق از روش داده‌های تابلویی استفاده شد که زیربخش های صنعت به عنوان مقطع و سال های ۷۴ تا ۹۳ به عنوان سری زمانی در نظر گرفته شده است.

تابع هزینه انرژی

با توجه به اینکه در مدل بهینه سازی، هدف تعیین مقادیر و سهم بهینه حامل های انرژی می باشد و تغییر در میزان مصرف انرژی، مقدار تولید و هزینه بکارگیری آن را تحت تأثیر قرار خواهد داد، تابع هزینه انرژی براساس رابطه بین هزینه انرژی با مقدار استفاده از انرژی های مورد استفاده برحسب بشکه معادل نفت خام به شکل ذیل برآورد می گردد:

$$\log(Ec_j) = 7.11 / 5.77 + 7.4 / 7 \log(Ene_j) + 2 / 0.33 \log(Ene_j) \quad (8)$$

با توجه به شکل لگاریتمی تابع (ترانسلوگ) برای برآورد آن از تخمین زننده حداقل مربعات معمولی استفاده می گردد.

تابع انتشار گاز دی اکسید کربن

انتشار گاز دی اکسید کربن یا همان ستانده نامطلوب در مدل کارایی زیست محیطی براساس میزان استفاده از حامل های انرژی و ضریب انتشار دی اکسید کربن برای هر واحد از هر یک از انرژی های فسیلی مورد بررسی به صورت ذیل بدست می آید:

$$y_r^b = 5 / 1.4e_{ei} + 0 / 9.17e_{ri} + 9 / 7.64e_{ri} + 1 / 7.79e_{ei} + 5 / 0.4e_{ei} + 2.533e_{ri} \quad (9)$$

در تمامی توابع مذکور Ene، مقدار انرژی برحسب بشکه معادل نفت خام می باشد که از رابطه ذیل برحسب ضریب تبدیل هر یک از حامل های انرژی بدست می آید:

$$Ene_j = 7 / 3.7e_{ei} + 5.491 / 9.17e_{ri} + 7 / 1.764e_{ri} + 5 / 1.1e_{ei} + 7 / 0.7e_{ei} + 7 / 1.7e_{ri} \quad (10)$$

محدودیت‌های مدل بهینه‌یابی

محدودیت‌های مدل نیز به سه نوع زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

- محدودیت‌های نوع اول: تعادل در انرژی مصرفی

محدودیت‌های نوع اول به گونه‌ای اعمال می‌شود که مجموع تخصیص هر یک از شش منبع انرژی فسیلی مورد بررسی به هر یک از صنایع مختلف مورد بررسی، بیشتر از کل انرژی فسیلی مصرفی در صنایع مورد بررسی نباشد. این محدودیت‌ها عبارتند از:

$$\begin{aligned}
 c_1 : \sum_{j=1}^5 e_{1j} &\leq E_1 \\
 c_2 : \sum_{j=1}^5 e_{2j} &\leq E_2 \\
 c_3 : \sum_{j=1}^5 e_{3j} &\leq E_3 \\
 c_4 : \sum_{j=1}^5 e_{4j} &\leq E_4 \\
 c_5 : \sum_{j=1}^5 e_{5j} &\leq E_5 \\
 c_6 : \sum_{j=1}^5 e_{6j} &\leq E_6
 \end{aligned}
 \tag{11}$$

C₁: محدودیت مربوط به تخصیص گاز مایع

C₂: محدودیت مربوط به تخصیص بنزین

C₃: محدودیت مربوط به تخصیص نفت گاز (گازوئیل)

C₄: محدودیت مربوط به تخصیص نفت سفید

C₅: محدودیت مربوط به تخصیص نفت سیاه و نفت کوره

C₆: محدودیت مربوط به تخصیص گاز طبیعی

- محدودیت‌های نوع دوم: محدودیت تخصیص انرژی در بخش صنعت

این نوع از محدودیت باید به گونه‌ای لحاظ شود که مجموع انرژی‌های فسیلی مورد بررسی تخصیص داده شده به هر یک از صنایع مورد بررسی (۵ صنعت)، بزرگتر از کل انرژی مصرفی در آن صنعت نباشد. این محدودیت‌ها عبارتند از:

$$\begin{aligned}
 c_7 : \sum_{i=1}^6 E_{i1} &\leq Ene_1^0 \\
 c_8 : \sum_{i=1}^6 E_{i2} &\leq Ene_2^0 \\
 c_9 : \sum_{i=1}^6 E_{i3} &\leq Ene_3^0 \\
 c_{10} : \sum_{i=1}^6 E_{i4} &\leq Ene_4^0 \\
 c_{11} : \sum_{i=1}^6 E_{i5} &\leq Ene_5^0
 \end{aligned} \tag{۱۲}$$

C7: محدودیت مربوط به تخصیص انرژی به صنایع کد ۱۵ (صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی)

C8: محدودیت مربوط به تخصیص انرژی به صنایع کد ۲۳ (صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت‌های هسته‌ای)

C9: محدودیت مربوط به تخصیص انرژی به صنایع کد ۲۴ (صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی)

C10: محدودیت مربوط به تخصیص انرژی به صنایع کد ۲۶ (صنایع تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی)

C11: محدودیت مربوط به تخصیص انرژی به صنایع کد ۲۷ (صنایع تولید فلزات اساسی)

- محدودیت‌های نوع سوم: محدودیت‌های مربوط به نامنفی بودن متغیرها

محدودیت دیگری که بایستی در مدل تحقیق لحاظ شود این است که متغیرهای مورد نظر نباید کوچکتر از صفر باشند.

All Variables ≥ 0

(۱۳)

۶. نتایج حاصل از اجرای مدل

محاسبه کارایی اقتصادی و زیست محیطی

اندازه‌ی کارایی اقتصادی بر اساس نهاده‌های انرژی شامل نفت سفید، گازوئیل، گاز طبیعی، گاز مایع، نفت سیاه و کوره و بنزین و دو نهاده‌ی غیر انرژی نیروی کار و میزان سرمایه به عنوان ورودی مدل و ارزش ستانده به عنوان خروجی محاسبه شد. جدول ذیل نتایج محاسبه‌ی کارایی اقتصادی در صنایع مورد بررسی را با استفاده از داده‌های سال ۱۳۹۵ بر اساس خروجی نرم افزار GAMS نشان می‌دهد:

جدول (۳) کارایی اقتصادی صنایع مورد بررسی در سال ۱۳۹۵

کارایی اقتصادی	ارزش ستانده (میلیون ریال)	انرژی (بشکه معادل نفت خام)	ارزش سرمایه (میلیون ریال)	نیروی کار (نفر)	کد ISIC
۱	۷۵۱۳۷۲۱۶۷	۱۵۲۸۷۹۰۹/۰۲	۲۴۱۵۳۳۲۰	۳۰۱۳۵۹	(۱۵)
۱	۱۰۶۷۳۱۲۸۵۲	۳۰۳۵۵۶۱۸/۶۲	۱۴۶۹۰۶۲	۳۱۵۵۳	(۲۳)
۰/۸۵۸	۹۱۵۹۴۴۳۴۶	۷۵۰۴۹۰۴۸/۱۳	۲۰۷۳۰۸۱۱	۱۳۴۷۲۴	(۲۴)
۰/۲۴۹	۲۶۶۶۳۱۳۳۸	۷۱۵۶۸۰۱۹/۵۶	۱۷۴۲۷۱۶۳	۲۲۲۸۸۷	(۲۶)
۰/۶۲۲	۶۶۳۸۳۶۴۶۶	۳۹۹۳۵۷۶۶/۲۷	۱۰۵۵۹۷۳۵	۱۵۶۸۳۶	(۲۷)

منبع: ترازنامه انرژی وزارت نیرو، ۱۳۹۵ و یافته‌های پژوهش

همانطور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، کارایی اقتصادی صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، صنایع تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی و صنایع تولید فلزات اساسی کمتر از یک می‌باشد که نشان دهنده‌ی استفاده ناکارا از منابع یا تولید ناکارا و یا هر دو مشکل در صنایع مذکور است. در جدول (۴) نیز کارایی زیست محیطی صنایع مورد بررسی با لحاظ نمودن انتشار گاز دی اکسید کربن به عنوان خروجی و ستانده نامطلوب محاسبه شده است. مشابه جدول قبل اندازه کارایی کوچکتر از یک نشان‌دهنده‌ی وجود ناکارایی در میزان انتشار گاز دی اکسید کربن می‌باشد.

جدول (۴) کارایی زیست محیطی صنایع مورد بررسی در سال ۱۳۹۵

کد ISIC	نیروی کار (نفر)	ارزش سرمایه (میلیون ریال)	انرژی (بشکه معادل نفت خام)	گازهای آلاینده (تن)	کارایی زیست- محیطی
(۱۵)	۳۰۱۳۵۹	۲۴۱۵۳۳۲۰	۱۵۲۸۷۹۰۹/۰۲	۷۵۸۰۲۷۲/۵۶	۱
(۲۳)	۳۱۵۵۳	۱۴۶۹۰۶۲	۳۰۳۵۵۶۱۸/۶۲	۱۴۸۱۴۵۰۴/۰۱	۱
(۲۴)	۱۳۴۷۲۴	۲۰۷۳۰۸۱۱	۷۵۰۴۹۰۴۸/۱۳	۳۶۸۲۶۷۷۶/۲۱	۰/۶۰
(۲۶)	۲۲۲۸۸۷	۱۷۴۲۷۱۶۳	۷۱۵۶۸۰۱۹/۵۶	۳۴۶۹۹۳۳۱/۶۹	۰/۵۸۲
(۲۷)	۱۵۶۸۳۶	۱۰۵۵۹۷۳۵	۳۹۹۳۵۷۶۶/۲۷	۱۹۶۶۶۶۳۶/۰۶	۰/۷۲۳

منبع: ترازنامه انرژی وزارت نیرو، ۱۳۹۵ و یافته‌های پژوهش

بهبود یابی مصرف انرژی در صنایع مورد بررسی

با اثبات وجود ناکارایی در مصرف انرژی، مقدار و سهم بهینه‌ی استفاده از نهاده‌های انرژی با استفاده از مدل الگوریتم ژنتیک مرتب سازی نامغلوب ۲ محاسبه می‌گردد. این الگوریتم با استفاده از اصل عدم تسلط و یا عدم غلبه کردن و محاسبه فاصله ازدحام، نقاط بهینه پارتو را به دست می‌آورد که مجموعه‌ای از نقاط بهینه را ارائه می‌نماید. از این رو برای انتخاب بهترین ترکیب یا نقاط از جبهه‌ی پارتو بدست آمده، کارایی اقتصادی و زیست محیطی برای هر یک از نقاط در هر یک از صنایع

مورد بررسی محاسبه می‌شود و براساس نتایج بدست آمده میزان مصرف بهینه هر یک از انرژی‌های فسیلی در صنایع مورد بررسی با توجه به کارایی اقتصادی و کارایی زیست تعیین می‌شود. برای این منظور داده‌های سال ۱۳۹۵ به عنوان جمعیت اولیه در الگوریتم ژنتیک مرتب‌سازی نامغلوب نسخه ۲ استفاده می‌شود و سپس الگوریتم با لحاظ تعاریف و محدودیت‌های تعریف شده برای آن، داده‌ها را تجزیه و تحلیل و خروجی مدل به کمک نرم‌افزار MATLAB استخراج می‌شود. جدول (۵) مشخصات الگوریتم ژنتیک مرتب‌سازی نامغلوب نسخه ۲ (NSGA-II) استفاده شده در تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول (۵) مشخصات الگوریتم (NSGA-II)

معیار	معادل انگلیسی مشخصه	معادل فارسی مشخصه
مسابقه ای	Selection type	تابع انتخاب
۰/۷	Crossover rate	نرخ عملگر تقاطع
حسابی	Crossover function	تابع عملگر تقاطع
۰/۰۷	Mutation rate	نرخ جهش

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۶) نتایج مربوط به بهترین جواب از میان نقاط بهینه پارتو ایجاد شده توسط الگوریتم مرتب‌سازی نامغلوب ۲ می‌باشد که بالاترین کارایی اقتصادی و زیست محیطی را در زیربخش‌های منتخب صنعت دارند.

جدول (۶) نتایج مدل NSGA-II جهت تعیین سهم بهینه مصرف انرژی‌های فسیلی در صنایع مورد بررسی در مقایسه با سهم واقعی آن‌ها (درصد)

مصرف کل معادل هزار بشکه نفت خام	نفت سیاه و نفت کوره	بنزین		گاز مایع		گاز طبیعی		گازوئیل		نفت سفید				
		واقعی	بهینه	واقعی	بهینه	واقعی	بهینه	واقعی	بهینه	واقعی	بهینه			
۱۰۰۷۳۳۴۱	۱۵۵۲۰۱۱۲	۱۶/۷	۲/۷۹	۱/۳۲	۰/۷۸	۰/۱۸	۰/۳۹	۶۸/۸۱	۸۹/۳۶	۱۲/۸۸	۶/۶۳	۰/۰۹۸	۰/۰۶	مواد غذایی و آشامیدنی (۱۵)
۲۴۲۸۲۶۸۸	۳۰۳۴۹۵۷۵	۱۱/۱۸	۰/۰۱	۰/۲۹	۰/۱۲	۲/۱۷	۰/۱	۸۵/۲۵	۸۵/۹۸	۰/۹۳	۱/۰۱	۰/۱۷	۰/۰۰۳	زغال کک، پالایشگاه نفت و سوخت هسته‌ای (۲۳)
۴۰۵۳۳۵۰۹	۷۴۹۵۷۲۳۶	۰/۶۲	۰/۲۸	۰/۳۷	۰/۲۷	۰/۰۸	۰/۰۴	۹۸/۲۹	۹۸/۹۸	۰/۶۲	۰/۷۶	۰/۰۱۶	۰/۰۲	مواد و محصولات شیمیایی (۲۴)
۵۶۲۱۳۶۷۳	۷۱۱۹۶۷۹۴	۱۴/۸۳	۱۲/۶۶	۰/۱۵	۰/۱۷	۲/۶۶	۰/۱۱	۸۰/۳۲	۸۳/۸۳	۱/۹۷	۳/۱۸	۰/۰۵	۰/۰۴	سایر محصولات کانی غیرفلزی (۲۶)
۴۰۲۸۸۰۲۲	۴۰۰۶۳۴۰۶	۰/۶۵	۵/۸۶	۰/۰۵۲	۰/۱۷	۰/۳۳	۰/۱۸	۹۸	۹۱/۸۰	۰/۹۶	۱/۹۷	۰/۰۱۴	۰/۰۳	فلزات اساسی (۲۷)
۱۷۱۳۹۱۲۳۴	۲۳۲۰۸۷۱۲۵													جمع کل

منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله بعدی باید تأثیر این تغییرات در کارایی اقتصادی و زیست محیطی زیربخش‌های صنعت در مقایسه با مقادیر واقعی انرژی مصرفی در آن‌ها بررسی گردد. نتایج این بررسی در جداول (۷) و (۸) با استفاده از مدل مازاد مبنا به صورت تفکیکی در هر یک از سال‌های مذکور محاسبه و مقایسه شده است. در ادامه برای مقایسه‌ی زیربخش‌های منتخب در تمامی سال‌ها، هر کدام از آن‌ها به عنوان یک واحد تصمیم‌گیری در نظر گرفته شده و دوباره کارایی اقتصادی و زیست محیطی محاسبه می‌شود. نتایج نشان می‌دهد نتیجه الگوریتم بهینه‌یابی مورد استفاده، دارای کارایی اقتصادی بالاتر در همه صنایع منتخب و کارایی زیست محیطی بیشتر در تمام صنایع به جز در صنایع تولید فلزات اساسی می‌باشد که البته این کاهش بسیار ناچیز می‌باشد.

جدول (۷) مقایسه کارایی اقتصادی مصرف انرژی بهینه‌یابی شده با وضعیت مصرف انرژی واقعی

کد ISIC	۱۳۹۰	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	بهینه
تولید مواد غذایی و آشامیدنی (۱۵)	۱	۱	۱	۱	۱
تولید زغال کک، پالایشگاه نفت و سوخت هسته‌ای (۲۳)	۱	۱	۱	۱	۱
تولید مواد و محصولات شیمیایی (۲۴)	۰/۶۸۸	۰/۵۸۲	۰/۷۹۵	۰/۸۵۸	۱
تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی (۲۶)	۰/۳۲۶	۰/۱۳۴	۰/۲۴۲	۰/۲۴۹	۰/۶۱۲
تولید فلزات اساسی (۲۷)	۰/۳۶۲	۰/۴۱۹	۰/۶۰۲	۰/۶۲۲	۰/۷۹۹

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۸) مقایسه کارایی زیست محیطی مصرف انرژی بهینه‌یابی شده با وضعیت مصرف انرژی واقعی

کد ISIC	۱۳۹۰	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	بهینه
تولید مواد غذایی و آشامیدنی (۱۵)	۱	۱	۱	۱	۱
تولید زغال کک، پالایشگاه نفت و سوخت هسته‌ای (۲۳)	۱	۱	۱	۱	۱
تولید مواد و محصولات شیمیایی (۲۴)	۰/۵۸۹	۰/۶۳۸	۰/۶۱۳	۰/۶۰	۱
تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی (۲۶)	۰/۵۶۰	۰/۵۸۴	۰/۵۸۶	۰/۵۸۲	۰/۵۹۴
تولید فلزات اساسی (۲۷)	۰/۷۱۳	۰/۶۷۵	۰/۷۲۰	۰/۷۲۳	۰/۶۴۸

منبع: یافته‌های پژوهش

۷. جمع‌بندی:

بهینه‌یابی مصرف انرژی‌های فسیلی در صنایع مورد بررسی توسط مدل NSGAI، کارایی اقتصادی صنایع ناکارا را نسبت به وضعیت واقعی افزایش می‌دهد. با توجه به نتایج بدست آمده، مقادیر بهینه ضمن حفظ کارایی کامل صنایع کارا در وضعیت واقعی (صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی و صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه نفت و سوخت هسته‌ای)، کارایی صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، صنایع تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی و صنایع تولید فلزات اساسی را به ترتیب، ۰/۱۴۲، ۰/۳۶۳ و ۰/۱۷۷ واحد افزایش داده است.

از سوی دیگر استفاده از مقادیر انرژی‌های فسیلی منتخب حاصل از الگوریتم بهینه‌یابی باعث افزایش کلی کارایی زیست محیطی در صنایع مورد بررسی می‌شود. مقادیر بهینه بدست آمده کارایی زیست محیطی صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی و صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه نفت و سوخت هسته‌ای را که در وضعیت واقعی دارای کارایی کامل بودند تغییر نمی‌دهد ولی باعث افزایش کارایی در صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی و صنایع تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی می‌گردد که افزایش کارایی در صنایع یادشده به ترتیب ۰/۴۰ و ۰/۰۱۲ واحد می‌باشد. تنها در صنایع تولید فلزات اساسی کارایی زیست محیطی به میزان ناچیزی (۰/۰۷۵ واحد) کاهش می‌یابد. شایان توجه است که بیشترین افزایش کارایی زیست محیطی در زیربخش صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی حاصل می‌شود که دارای بیشترین مقدار مصرف انرژی و انتشار گازهای آلاینده می‌باشد.

همانگونه که در بررسی‌های انجام شده و یافته‌های تحقیق مشخص گردید، میزان مصرف انرژی در زیربخش‌های صنعت ایران ناکارا می‌باشد و علاوه بر آن انتشار گازهای آلاینده ناشی از آن، در صنایع مورد بررسی در مقایسه با متوسط جهانی بسیار بالاتر است. بر همین اساس و مبتنی بر نتایج الگوریتم بهینه‌یابی می‌توان گفت این صنایع قابلیت افزایش کارایی در مصرف انرژی و انتشار گازهای آلاینده را دارند که با استراتژی‌های مختلف و متنوع

می‌توان به آن دست یافت. استفاده از انرژی‌های کم کربن، تغییر در شیوه‌ی تولید و ایجاد تنوع در سبد حامل‌های انرژی از جمله راهکارهایی است که می‌تواند موجب ارتقای کارایی و کاهش انتشار گازهای آلاینده گردد.

با توجه به میزان مصرف بالای انرژی در صنایعی که کارایی زیست محیطی کمتری دارند از جمله راهکارهایی که برای کاهش مصرف انرژی و آلاینده‌های زیست محیطی در این صنایع پیشنهاد می‌شود، می‌توان به جایگزینی سوخت‌های سبک کم کربن به جای سوخت‌های سنگین اشاره نمود. همچنین با بررسی روند تغییرات مصرف حامل‌های انرژی در سال‌های اخیر در صنایع منتخب مشخص می‌گردد جایگزینی گاز طبیعی به جای سایر حامل‌های انرژی اتفاق افتاده است که هرچند به عنوان سوخت کم کربن مطلوب می‌باشد ولی نتایج تعیین سهم بهینه انرژی‌های منتخب نشان می‌دهد این جایگزینی بدون استراتژی مشخصی انجام شده است و علی‌رغم این اتفاق، کارایی زیست محیطی به صورت مطلوب تغییر نکرده است. دلیل اصلی این انحراف از سهم بهینه را می‌توان در تعیین قیمت حامل‌های انرژی و تفاوت قیمت در صنایع مختلف جستجو نمود. از سوی دیگر تفاوت سهولت دسترسی به انواع حامل‌های انرژی و نامتوازن بودن شبکه‌های توزیع بر این موضوع می‌تواند تأثیر گذار باشد.

با توجه به مطلب مذکور می‌توان گفت: دستیابی به اهداف بهینه‌سازی سهم منابع انرژی نیازمند تنظیم مقررات زیست محیطی برای تولیدکنندگان نیز می‌باشد که با توجه به بررسی پژوهش‌های مرتبط پیشین، تغییر در شیوه‌ی تولید می‌تواند بدون کاهش در تولید یا با تأثیر محدود، منجر به کاهش در مصرف انرژی و افزایش قابل توجه در کارایی اقتصادی و زیست محیطی گردد. برقراری مالیات بر محصول نامطلوب یکی از متداول‌ترین راه‌ها برای افزایش انگیزه‌ی تولیدکنندگان در جهت بکارگیری روش‌ها و فن‌آوری سازگار با محیط زیست و کاهش مصرف انرژی است، بنابراین توصیه می‌شود که قوانین و مقررات زیست محیطی مربوط به تولیدکنندگان

این صنایع مورد بازبینی قرار گرفته و با سخت‌گیری بیشتری تنظیم شود تا تولیدکنندگان برای افزایش کارایی زیست‌محیطی خود تلاش نمایند.

همانطور که در نتایج الگوریتم بهینه‌یابی چند هدفه مورد استفاده مشاهده شد، به جهت دستیابی به بالاترین کارایی اقتصادی و زیست‌محیطی به طور همزمان که نیازمند ایجاد گونه‌ای اعتدال بین میزان تولید، مصرف انرژی و انتشار گازهای آلاینده می‌باشد، میزان مصرف برخی از حامل‌های انرژی کاهش و برخی افزایش یافته‌اند. در این شرایط و وجود قوانین زیست‌محیطی و وضع مالیات بر انتشار گازهای آلاینده، سیستم تجارت کربن نیز می‌تواند به عنوان راهکار مکمل سیاست‌های اصلاح مصرف انرژی و انتشار دی‌اکسید کربن بکار گرفته شود که در بررسی مطالعات پیشین نیز به آن اشاره شده است.

منابع

- استیونز، پل. (۲۰۰۰). اقتصاد انرژی (ترجمه ع. طاهری‌فرد؛ ج. حسینی؛ ج. دهنوی). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- بهشتی نیا، محمد علی (۱۳۹۳)، الگوریتم ژنتیک کاربردی، نشر دانشگاه سمنان.
- دب، کالیانموی (۲۰۰۱)، الگوریتم‌های ژنتیک با رویکرد بهینه‌یابی چند هدفه، ترجمه: جعفر رضایی و منصور داودی منفرد، تهران: نشر پلک
- شهیکی تاش، محمدنبی؛ خواجه‌حسینی، مصطفی و سعید جعفری (۱۳۹۴)، محاسبه کارایی زیست‌محیطی در صنایع انرژی بر ایران با استفاده از رویکرد تابع فاصله جهت‌دار، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال دوم، شماره ۱، صص ۹۹-۱۲۰.
- صادقی، حسین؛ سهرابی‌وفا، حسین و فاطمه نوری (۱۳۹۳)، کاربرد شبکه عصبی مبتنی بر الگوریتم ژنتیک در پیش‌بینی تقاضای بلندمدت انرژی، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، (۲)۱، صص ۲۹-۵۲.

عالم تبریز، اکبر؛ زندیه، مصطفی و علیرضا محمدرحیمی (۱۳۹۲)، الگوریتم‌های فراابتکاری در بهینه‌سازی ترکیبی (ژنتیک)، شبکه عصبی، آنیل شبیه‌سازی شده، جستجو ممنوع و الگوریتم مورچگان، تهران: نشر صفار.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، نتایج طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر. ممی‌پور، سیاب و بهزاد نجف‌زاده (۱۳۹۵). ارزیابی کارایی زیست محیطی شرکت‌های برق منطقه‌ای: مقایسه مدل‌های شعاعی و غیرشعاعی، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۳(۸)، صص ۱۷۸-۱۵۳. وزارت نیرو (۱۳۹۵). *ترازنامه انرژی*، دفتر برنامه‌ریزی کلان برق و انرژی، معاونت امور برق و انرژی.

Cooper, W., Seiford, L and K. Tone (2007). Some Models and Measure for Evaluating Performances with DEA: Past Accomplishments and Future Prospects, *journal of Productivity Analysis*, 28, PP. 151-163.

Deb, K (1999). *An introduction to genetic algorithms*. India: Sadhana, 24, PP. 293-315.

Deb, K (2001). *Multi- objective optimization using evolutionary algorithms*. England: John Wiley and Sons.

Deb, K., Pratap, A., Sameer Agarwal and T. Meyarivan (2002). A Fast and Elitist Multiobjective Genetic Algorithm: NSGA-II. *IEEE Transactions on Evolutionary Computation*, 6(2), PP. 182-197.

Deb, S. and J. Sundar (2006). Reference Point Based Multi-Objective Optimization Using Evolutionary Algorithms. *USA: GECCO*, 6, PP. 635-642.

Deb, K (2011). Multi-Objective Optimization Using Evolutionary Algorithms: An Introduction. <http://www.iitk.ac.in/kangal/deb.htm>

Farrell, M. (1957), The Measurement of Productive Efficiency, *Journal of Royal Statistical Society*, 120(3), PP. 253-290.

Fazlollahi, S., Becker, G., Ashouri, A. and F. Maréchal (2015). Multi-objective, multi-period optimization of district energy systems: IV – A case study, *Energy*, 84(C), PP. 365-381.

Goldberg, D (1989). *Genetic Algorithms in Search, Optimization and Machine Learning*, USA: Addison-Wesley Publishing Company.

Gonzalez, M., Lopez, J., Aparicio, J., Gimenez, D and P. Jesus (2015). Using Genetic Algorithms for Maximizing Technical Efficiency in Data Envelopment Analysis, *Procedia Computer Science*, 51, PP. 374-383.

Guo, W., sun, T. and H. Dai (2017). Efficiency Allocation of Provincial Carbon Reduction Target in China's "13·5" Period: Based on Zero-Sum-Gains SBM Model, *Sustainability*, 9, PP. 167-185.

- Keeratipranon, N., and A. Choichum** (2017). "Multi-Fuel Allocation for Power Generation Using Genetic Algorithms," *Journal of Reviews on Global Economics*, Lifescience Global, vol. 6, PP. 258-268.
- Li, J., Xiang, Y., Jia, H., and L. Chen** (2018). "Analysis of Total Factor Energy Efficiency and Its Influencing Factors on Key Energy-Intensive Industries in the Beijing-Tianjin-Hebei Region," *Sustainability, MDPI, Open Access Journal*, vol. 10(1), PP 1-17, January.
- Pearson, P** (1988). Energy Transition in Les-Developed Countries: Analytical Frameworks for Practical Understanding, *Energy Discussion*, Cambridge Energy Research Group.
- Tone, K** (2001). A Slaks Based Measure of Efficiency in Data Envelopment Analysis, *Eur J Oper Res*, 130, PP. 498-509.
- Tone, K** (2004). Dealing with Undesirable Outputs in DEA: A Slacks-Based Meassure (SBM) Approach, *GRIPS Reserch Report Series*, 1.2003_0005.
- Wang, D., Liu, Y., Wang, Y., Shi, X. and X. Song**(2020). "Allocation of coal decapacity quota among provinces in China: A bi-level multi-objective combinatorial optimization approach," *Energy Economics*, Elsevier, vol. 87(C).
- Xiong, S., Tian, Y., Ji, J., and X. Ma** (2017). "Allocation of Energy Consumption among Provinces in China: A Weighted ZSG-DEA Model," *Sustainability, MDPI, Open Access Journal*, vol. 9(11), pages 1-12, November.
- Zhang, H., Zhang, R., Li, G., Li, W. and Y. Choi** (2020). Has China's Emission Trading System Achieved the Development of a Low-Carbon Economy in High-Emission Industrial Subsectors?, *Sustainability*, 12(13),PP. 53-70.
www.iea.org/data-and-statistics.
www.worldenergy.org/publications.